

تأثیر گذارترین صوفیان و مهم‌ترین موضوعات عرفانی سده دوم تا چهارم هجری

محمد مشهدی نوش آبادی*

حکیمه بهجت**

چکیده

بازتاب تعلیم و تأثیر اندیشه صوفیان سده‌های دوم تا چهارم که دوره شکل‌گیری تصوف است، از مباحث مهمی است که در این مقاله به‌صورتی آماری و تحلیلی به آن پرداخته شده است. در نتیجه تفحص در کتب تعلیمی تصوف که در سده‌های چهارم تا هفتم تدوین شده است، بیست‌وپنج تن از صوفیان برجسته قرون دوم تا چهارم که سخنان آن‌ها بسامد بالاتری در این کتب داشته‌اند، به تفکیک قرن شناسایی شده‌اند. وجه عمده تعلیم صوفیان بزرگ سده دوم همچون حسن بصری، سفیان ثوری، ابراهیم ادهم، عبدالله مبارک، رابعه عدویه، معروف کرخی و ابوسلیمان دارانی، فضایل اخلاقی، زهد و ریاضت در چهارچوب دستورات شرعی است، اما موضوع تعلیم عرفای سده سوم یعنی بایزید بسطامی، ذوالنون مصری، ابوسعید خراز، سهل تستری، ابوالحسن نوری، حسین منصور حلاج، سری سقطی، ابوتراب نخشبی، یحیی معاذ رازی، ابوعثمان حیری و ابراهیم خواص، معرفت، سماع، عزلت، حیرت و فنا است که عموماً برای اولین بار در این سده مطرح شده و تصوف را از سلوکی اخلاقی و زهدگرا به‌جانب مکتبی معرفت‌شناختی مبتنی بر سلوک عملی و آداب و احوال بدیع سوق داده است؛ همچنان که بیشتر موضوعات این قرن مربوط به توحید، معرفت و پس از آن محبت و توکل است. اما تصوف سده چهارم با صوفیانی چون ابوبکر واسطی، ابوعلی رودباری، ابوبکر شبلی و ابوعبدالله خفیف به‌شدت تحت تأثیر تعلیم صوفیان تصوف دو سده پیشین است و گویا حرف تازه‌ای ندارد. به‌طور کلی، مهم‌ترین موضوعات قرون دوم تا چهارم تصوف عبارت‌اند از: زهد و معرفت. موضوعات توحید، محبت، اخلاق، توکل و فقر در جایگاه بعد قرار دارند. از میان این صوفیان، جنید بغدادی بیشترین تأثیر را داشته و در طرح بسیاری از موضوعات در جایگاه نخست است. پس از وی به‌ترتیب سهل تستری و شبلی قرار دارند. چهار چهره برجسته دیگر عبارت‌اند از ذوالنون مصری، ابوالحسن نوری، ابوسعید خراز و بایزید بسطامی.

کلیدواژه‌ها: تأثیر گذارترین صوفیان، تصوف سده‌های دوم تا چهارم، کتب تعلیمی تصوف، مهم‌ترین موضوعات عرفانی.

* دانشیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول / mnm5135@kashanu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آذربایجان / hakime.behjat@yahoo.com

۱. بیان مسئله و اهداف

یکی از مباحث مهم در تاریخ تصوف، بررسی جایگاه و تأثیر صوفیان سده‌های آغازین تصوف (سده دوم تا چهارم هجری) است، اما در این باره کار دقیق علمی صورت نگرفته است. ما فی‌الجملة می‌دانیم که صوفیانی مانند جنید بغدادی و خراز و سهل تستری از صوفیان تأثیرگذار بوده‌اند یا اینکه در مکتب سکر، بایزید بسطامی پیشرو بوده است.

از طرف دیگر می‌توان با بررسی دقیق آماری، میزان واقعی تأثیر صوفیه بر ادبیات عرفانی و به‌طور کلی جریان تصوف را اندازه‌گیری کرد و به مبنایی علمی برای توجه یا عدم توجه به صوفیانی چون حلاج دست یافت. همچنان که می‌توان ادعاهای اغراق‌آمیز سلسله‌های متأخر تصوف مانند نعمت‌اللهیه را درباره نقش صوفیانی همچون معروف کرخی سنجید و جایگاه واقعی وی در تصوف را نشان داد.

همچنین بر اساس گفته‌های صوفیان در این کتاب‌ها به موضوعات مورد توجه قرن دوم تا چهارم هجری پرداخته و جهت‌گیری اصلی هر قرن را در مقایسه با قرن دیگر نشان داده و مهم‌ترین موضوعات مورد توجه را در کنار تحول اندیشه صوفیانه با توجه موضوعات مطرح‌شده در قرون اولیه تصوف نشان دهیم.

بدین منظور به سراغ آثار تعلیمی صوفیه در سده‌های سوم تا ششم هجری رفته‌ایم. این آثار عبارت‌اند از: *قوت القلوب* ابوطالب محمد بن علی مکی (و ۳۸۶ق)، *اللمع فی التصوف* ابونصر عبدالله بن علی سراج طوسی (و ۳۷۸ق)، *تعرف لمذهب تصوف* تألیف ابوبکر محمد بن ابراهیم بخاری کلابادی (و ۳۸۰ق)، *شرح تعرف* تألیف ابوابراهیم اسماعیل مستملی بخاری (و ۴۳۴ق)، *رساله قشیریه* ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری (و ۴۶۵ق)، *کشف المحجوب* ابوالفضل هجویری (و ۴۷۰ق)، *عوارف المعارف* شهاب‌الدین عمر سهروردی (وفات بین سال‌های ۶۲۰-۶۳۲ق) و *مرصاد العباد* نجم رازی (و ۶۵۴ق). ویژگی مهم این آثار جامعیت آن‌ها در مباحث معرفتی و عملی تصوف است.

۱-۱. ادبیات تحقیق

تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند تاکنون به‌شیوه آماری تحلیلی به تصوف سده‌های آغازین هجری پرداخته نشده است، اما پژوهشگران زیادی تصوف این دوران را در قالب کتاب، مدخل دایرةالمعارف و مقاله مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله ر. نیکلسون در کتاب *عرفان عارفان مسلمان* (۱۳۷۲)، قاسم غنی در *تاریخ تصوف در اسلام* (۱۳۸۶)، عبدالحسین زرین کوب در کتاب‌های *ارزش میراث صوفیه* (۱۳۷۸) و جستجو در تصوف ایران (۱۳۷۶)، آن. ماری شیمل در کتاب *ابعاد عرفانی اسلام* (۱۳۷۲). همچنین چند مقاله در کتاب *میراث تصوف* (۱۳۸۴) گردآوری لئونارد لویزن مقالاتی هست که به ویژگی‌های تصوف در این دوران پرداخته شده است.

همچنین بخش «تصوف از ابتدا تا پایان قرن چهارم» از مدخل تصوف در *دانشنامه جهان اسلام* نوشته نصرالله پورجوادی (ج ۷، ۱۳۸۲: ذیل واژه) و بررسی تصوف سده‌های اول تا پنجم در مدخل *تصوف دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* به قلم محمدجواد شمس (ج ۱۵، ۱۳۸۷: ذیل واژه) که به‌صورت گذرا تصوف و صوفیان سده‌های آغازین را بررسی کرده‌اند.

۲. بررسی موضوعات عرفانی و صوفیه قرن دوم هجری (قرن آغازین)

۱-۲. تصوف سده دوم

سده دوم را باید آغاز شکل‌گیری جریان تصوف در دنیای اسلام دانست که با ظهور حسن بصری در اواخر سده اول و اوایل سده دوم جریانی زهدآمیز در میان مسلمانان شکل گرفت که به‌جز نیازهای درونی منشأ اجتماعی هم داشت. دنیاگرایی حاصل از فتوحات، روی‌گردانی و دوری از سیره و سنت پیامبر(ص) و صحابه، اختلافات و انشعابات سیاسی، عقیدتی و اجتماعی، فاصله گرفتن بزرگان جامعه از زهد، دل‌زدگی از شریعت‌گرایی افراطی و بی‌توجهی به جنبه‌های باطنی اسلام، عده‌ای را بر آن داشت تا روش و سیره زهدآمیز و انزواطلبانه‌ای را در جامعه اسلامی پی گیرند.

در این کنش اجتماعی، آشنایی صوفیه با ادیان و فرهنگ‌های داخل و مجاور جامعه

اسلامی مانند مسیحیت، مانویت، هندوئیسم، بودیسم و فرهنگ و مکاتب یونانی نیز بی تأثیر نبود.

عناصر اصلی تصوف در سده دوم بیشتر معطوف به مفاهیم اخلاقی و زهد است. بعد از آن نیز می توان به توکل، ورع و فتوت نیز اشاره کرد.

به طور کلی وجه عمده تعلیم صوفیه این عصر توجه به فضایل اخلاقی، زهد و ریاضت در چهارچوب دستورات شرعی است و مباحثی مانند مراتب سلوک و طی مقامات از تبتل تا فنا هنوز در این قرن شکل نگرفته است. همچنان که در سخنان صوفیه این دوران هنوز از لطایف تصوف و صورت های ذوقی، معرفتی و لطیف آن چندان خبری به گوش نمی رسد.

از میان صوفیه این سده، حسن بصری، سفیان ثوری، ابراهیم ادهم، عبدالله مبارک، رابعه عدویه، معروف کرخی و ابوسلیمان دارانی در آثار تعلیمی صوفیه بازتاب برجسته تری دارند.

۲-۲. برجسته ترین صوفیان سده دوم

۲-۲-۱. حسن بصری (و ۱۱۰ق)

از میان این صوفیان سده دوم، حسن بصری^۱ بیشترین تأثیر را بر کتب تعلیمی صوفیه داشته است. با اینکه عمده حیات حسن بصری در سده یکم واقع شده و وی از تابعان به شمار می رود، تأثیر سخنان وی در آثار صوفیه قابل ملاحظه است. نام وی ۷۷ بار در آثار صوفیه بازتاب داشته که بیش از دیگر صوفیان این دوره است.

تعلیم حسن بصری مانند دیگر زاهدان سده دوم بیشتر در موضوع اخلاق و پس از آن زهد و توکل است و به حق احوال و افکار صوفیان سده یکم و دوم را نمایندگی می کند. بازتاب سخنان حسن بصری در آثار تعلیمی تصوف نیز قابل ملاحظه است؛ زیرا وی تقریباً به طور یکنواخت در آثار صوفیه از سده چهارم تا هفتم حضور دارد. بی شک بصری را می توان تأثیرگذارترین صوفی اوایل سده دوم هجری و اولین معلم زهد و تصوف در جهان اسلام دانست.

۲-۲-۲. سفیان ثوری (و ۱۶۱ق)

صوفیان ثوری^۲ بیش از دیگر صوفیان سدهٔ دوم به مباحث اساسی و مهم تصوف پرداخته و طیف متنوعی از موضوعات صوفیانه را مطرح کرده است. وی با ۷۱ بسامد در جایگاه هفدهم قرار دارد.

از جمله برجستگی‌های ثوری نسبت به معلمان تصوف دورهٔ خود، توجه ویژه‌اش به توحید، معرفت، شریعت و فتوت است. وی از اولین صوفیانی است که در موضوع توحید و معرفت سخنان قابل ملاحظه‌ای مطرح کرده است. همچنان که اخلاق و جوانمردی عمده‌ترین سخنان وی را تشکیل می‌دهند. دیگر موضوعات مورد اشارهٔ وی شریعت، ورع، زهد و فقر است. سخنان وی به‌طور چشمگیری در قوت القلوب مکی بازتاب یافته است.

۲-۳. ابراهیم ادهم (و ۱۶۲ق)

ابراهیم ادهم^۳ با ۷۵ بسامد در رتبهٔ پانزدهم قرار دارد. از این نظر وی از برجستگان سدهٔ دوم به شمار می‌رود. عمده سخنان ابراهیم دربردارندهٔ موضوعات زهد، فقر، خاموشی و تسلیم است. سخنان وی نسبت به حسن بصری بازتاب کمتری در آثار تعلیمی دارد، اما در آثار متأخر بازتاب سخنانش بیشتر نمود یافته است.

۲-۴. عبدالله مبارک (و ۱۸۱ق)

عبدالله مبارک^۴ با ۳۲ بسامد در رتبهٔ بیست‌وسوم قرار دارد. وجه توجه عمدهٔ وی همچون دیگر زاهدان سدهٔ دوم به اخلاق است. پس از آن به ترتیب موضوعات زهد و خوف در سخنانش بازتاب دارد.

۲-۵. رابعه عدویه (و ۱۸۵ق)

رابعه عدویه^۵ با ۲۲ بسامد در رتبهٔ بیست‌وششم و آخر صوفیان مورد بررسی قرار دارد. آنچه از سخنان وی در کتب تعلیمی تصوف بر جای مانده است، بیشتر به زهد اختصاص دارد. بحث محبت نیز از جمله مباحثی است که در سخنان وی بازتاب دارد و طرح این موضوع توسط رابعه در میان صوفیان سدهٔ دوم کم‌سابقه است.

۲-۶. فضیل بن عیاض (و ۱۸۷ق)

نام فضیل عیاض^۶ با ۵۶ بازتاب در ردیف هجدهم قرار دارد. وی از جمله صوفیان

سدهٔ دوم است که تأثیر قابل ملاحظه‌ای از خود در آثار تعلیمی صوفیه بر جای گذاشته است. موضوع مهمی که در سخنان وی بازتاب بیشتری دارد، اخلاق و جوانمردی است. وی همچون دیگر صوفیان این سده به موضوع زهد نیز توجه ویژه دارد. پس از آن شریعت و خوف در سخنانش بازتاب دارد.

۲-۲-۷. معروف کرخی (و ۲۰۰ق)

با توجه به تأکیدی که در سلسله‌بندی‌های صوفیه بر معروف کرخی^۷ می‌رود، انتظار این است که وی بازتاب قابل ملاحظه‌ای در کتب تعلیمی صوفیه داشته باشد؛ اما نام وی قبل از رابعه عدویه با ۲۳ بسامد در رتبهٔ آخر قرار دارد.

گویا برجسته کردن نقش معروف کرخی در تصوف و اتصال همهٔ سلاسل صوفیه به وی تلاشی است که در قرون اخیر از سوی سلاسل ذهبیه، نوربخشیه و نعمت‌اللهیه صورت گرفته است؛ زیرا پس از اینکه در دورهٔ تیموری و صفوی از تسنن به تشیع روی آوردند، در صدد سندسازی برای ارتباط با ائمهٔ شیعه بوده و از این جهت نقش معروف را که گفته می‌شود از شاگردان امام هشتم شیعیان امامی است، به‌عنوان حلقهٔ واسط تصوف و تشیع برجسته کرده‌اند. چنان‌که نقش معروف در کتاب *طرائق الحقایق* به‌طرز چشمگیر و ویژه‌ای برجسته می‌شود.

۲-۲-۸. ابوسلیمان دارانی (و ۲۰۴ق)

در کتب تعلیمی صوفیه موضوع زهد در سخنان دارانی^۸ بیش از دیگر صوفیان بازتاب داشته است. پس از آن با اختلافی زیاد موضوع رضا، عنایت حق و خوف نیز در اقوالش قابل شناسایی است. یقین، معرفت، اخلاق و مجاهده نیز به در سخنان وی چشم می‌خورد.

به‌لحاظ زمانی و جایگاه فکری دارانی را می‌توان حلقهٔ واسط تصوف زهدآمیز و شریعت‌گرای قرن دوم به تصوف معرفتی سدهٔ سوم دانست. دربارهٔ زمان مرگ وی نیز اختلاف است و به‌جز سال ۳۰۴، سال‌های ۲۱۵ و ۲۳۵ هجری را نیز به‌عنوان سال مرگ وی ثبت کرده‌اند.

۳. تصوف سدهٔ سوم و برجسته‌ترین صوفیان این سده

به نظر می‌رسد قرن سوم را بتوان پرشورترین قرن تاریخ تصوف خواند. تأثیر صوفیهٔ این دوران بر صوفیان بعد از خود از همه دوران چشمگیرتر است. در این قرن صوفیه صاحب نگرشی جدید و متفاوت با دیدگاه دیگر اصناف معرفت در جهان اسلام شدند و با روش و رویکردی ذوقی، باطنی و عمیق به سراغ مفاهیم قرآنی و سیرهٔ نبوی رفته و اصلاحات و مفاهیمی نو خلق کردند؛ همچنان که سلوک عملی ویژه‌ای برای درک حقیقت هستی در پیش گرفتند که متضمن آداب و رسومی بی‌سابقه در دنیای اسلام بود.

۳-۱. برجسته‌ترین صوفیان سدهٔ سوم

بایزید بسطامی عارفی ممتاز و صاحب مکتب سکر و در مقابل ظهور جنید بغدادی امام برجسته در تصوف و پیشوای اهل صحو و معرفت از این قرن است. ذوالنون مصری، ابوسعید خراز، سهل تستری، ابوالحسین نوری و چهرهٔ جنجالی تاریخ تصوف حسین منصور حلاج از جمله صوفیان برجستهٔ قرن سوم هستند. دیگر بزرگان صوفی این دوره عبارت‌اند از سری سقطی (۲۳۴ق)، ابوتراب نخشی، یحیی معاذ رازی، ابوعثمان حیری و ابراهیم خواص دیگر صوفیه برجستهٔ این قرن هستند.

در این میان جنید بغدادی و سهل تستری در کتب تعلیمی صوفیه در جایگاه اول قرار دارند که نشان‌دهندهٔ تأثیر فراوان این دو تن بر صوفیه است. بعد از این دو ذوالنون مصری، بایزید بسطامی، ابوالحسین نوری، ابوسعید خراز و یحیی معاذ پربسامدترین صوفیه در کتب تعلیمی صوفیه هستند. با این اوصاف ابوبکر شبلی از سدهٔ سوم و چهارم پس از جنید و تستری در رتبهٔ سوم قرار دارد.

۳-۱-۱. بایزید بسطامی (و ۲۳۴ق)

ابویزید بسطامی^۹ با ۱۰۳ بسامد هفتمین جایگاه را در آثار تعلیمی تصوف دارد. با نگاهی به نوع اقوال بایزید تفاوت وی را با دیگر صوفیان سدهٔ سوم نشان می‌دهد. طرفه آنکه به‌رغم گرایش سکرآمیز بایزید، در اقوال وی بیش از دیگر صوفیه شریعت بازتاب دارد. همچنان که وی بیش از همه به پیامبر(ص) و سنت نبوی اشاره داشته است. این امر نشان می‌دهد که گرایش شطح‌آمیز بایزید مانع از توجه و اصرار وی به حفظ شریعت و سنت و سیرهٔ پیامبر(ص) نبوده است. از بایزید در کتب تعلیمی صوفیه

سخنانی زیادی درباره پیامبر و سیره وی نقل شده و از این نظر در بین صوفیه ممتاز است. بر این اساس، شریعت در اقوال بایزید بیشترین بازتاب را دارد و پس از آن معرفت و حقیقت. زهد هم از جمله موضوعاتی است که در اقوال وی بازتاب قابل ملاحظه‌ای دارد. گرچه شطحیات بایزید نیز در کتب صوفیه بازتاب یافته است، تصویری که از وی در آثار تعلیمی صوفیه ارائه می‌شود، تناسب چندانی با شهرت وی در سکر و شطح ندارد.

۳-۱-۲. سری سقطی (و ۲۳۴ق)

در بررسی انجام‌شده سری سقطی^{۱۰} با ۱۰۸ بازتاب در کنار یحیای معاذ رتبه هشتم صوفیان تأثیرگذار سده‌های آغازین تصوف قرار دارد. بیشترین اهمیت سری در تعلیم متوجه موضوع زهد است. مجاهده، معرفت، سماع، اخلاص و یقین دیگر موضوعات مورد علاقه وی هستند.

۳-۱-۳. حارث محاسبی (و ۲۴۳ق)

حارث محاسبی^{۱۱} با ۳۷ بسامد در رتبه بیست و دوم صوفیان مورد بررسی قرار دارد. طرفه آنکه وی پایین‌ترین بازتاب را در میان صوفیان برجسته سده سوم به خود اختصاص داده است. انتظار می‌رفت که احوال و افکار حارث محاسبی که از صوفیان مؤلف در تصوف است بیش از این‌ها مورد توجه واقع می‌شد.

عمده سخنان حارث به اخلاق اختصاص دارد. از این نظر وی همچون سرآمدان صوفی سده پیشین (دوم) است. چنان‌که از همین جنبه از صوفیان سده سوم متمایز می‌شود. توبه، رضا و شکر دیگر موضوعات مورد اشاره وی است. این‌گونه سخنان نشان می‌دهد که حارث بیشتر وابسته به تصوف زاهدانه سده دوم است تا تصوف معرفت و ذوقی سده سوم که وی در آن می‌زید.

۳-۱-۴. ابو تراب نخشبی (و ۲۴۵ق)

ابو تراب نخشبی^{۱۲} با ۳۹ بسامد در رتبه بیست و یکم صوفیان مورد بررسی قرار دارد. در سخنان وی بیش از همه زهد و یقین بازتاب دارد.

۳-۱-۵. ذوالنون مصری (و ۲۴۶ق)

چهره شاخص دیگر که با ۱۷۰ بازتاب بسامد چهارمین رتبه را در بین هم‌صنفان خود دارد، ذوالنون مصری^{۱۳} است. اما آنچه از بازتاب سخنان وی در کتب تعلیمی تصوف آمده است می‌توان دریافت که موضوع معرفت در تعالیم وی اهمیت بسزا داشته و بیشترین موضوع سخن وی را تشکیل می‌دهد. برخی سخنان وی درباره معرفت را متأثر از افکار گنوسی دانسته‌اند (نیکلسون، ۱۳۷۲: ۷۲). موضوع مهم دیگری که در سخنان وی بازتاب دارد، محبت است. وی پس از جنید بیش از دیگران این موضوع را در سخنان خود تصریح کرده است. به جز آن، موضوعاتی چون توبه، عزلت، اخلاص، صبر، خوف و فقر در سخنان وی کم‌وبیش بازتاب دارد.

۳-۱-۶. یحیی بن معاذ رازی (و ۲۵۸ق)

یحیی بن معاذ نیز از عارفان برجسته قرون آغازین هجری است و با ۱۰۸ بسامد همراه با سری سقطی در رتبه هشتم قرار دارد. بخش زیادی از سخنان یحیی معاذ^{۱۴} در کتب تعلیمی صوفیه به زهد اختصاص دارد. پس از آن موضوع معرفت در سخنان وی همانند دیگر صوفیه سده سوم بازتاب دارد. پس از آن توکل، عنایت حق، محبت، حیرت و اخلاق بیش از دیگر موضوعات در تعلیم وی مطرح شده است.

۳-۱-۷. سهل تستری (و ۲۸۳ق)

عارف برجسته دیگر سده‌های سوم سهل تستری^{۱۵} است. وی با ۲۹۷ بسامد پس از جنید بیشترین تأثیر را در آثار تعلیمی صوفیه بر جای گذاشته است و از این جهت مقام برجسته‌ای دارد. در میان سخنان سهل تستری گرچه مباحث مربوط به معرفت بازتاب چشمگیری دارد، توجه زیاد وی به خوف تصوف خائفانه وی را تا حدود زیادی به سده قبل از وی وابسته نشان می‌دهد. به‌ویژه اینکه دیگر موضوعات مورد نظر وی مانند توکل، زهد، رضا، توبه، یقین و محبت نیز کم‌وبیش همان چیزی است که در دوران قبل از وی نیز مطرح بوده است.

در این میان موضوع توکل در نزد وی بیش از دیگران اهمیت دارد. اهتمام وی به مباحث مربوط به سلوک و تربیت نفس و در عین حال توجه به مبحث معرفت که در دوره وی مطرح بود، وی را پس از جنید از مهم‌ترین معلمان تاریخ تصوف نشان

می‌دهد.

۳-۱-۸. ابوسعید خراز (و ۲۸۶ق)

ابوسعید خراز^{۱۶} از صوفیه تأثیرگذار و مهم سده سوم هجری است. سخنان وی نیز در آثار صوفیه بازتاب قابل ملاحظه‌ای دارد. نام وی با ۱۱۶ بسامد در جایگاه ششم کتب تعلیمی صوفیه قرار دارد. عمده سخنان خراز در موضوع معرفت و فناست. در بحث از فنا یگانه دوران و بلکه تاریخ تصوف است. گویا این بحث که در تبیین احوال صوفیه مفهومی مهم و اساسی است، برای اولین بار در تعلیم وی بسط داده شده است. از این روست که احوال و اقوالش به مذاق ظاهرگرایان و متشرعه خوش نمی‌آمده است. پس از آن موضوعات محبت، قرب و توکل در سخنان وی بازتاب چشمگیری دارد.

۳-۱-۹. ابوعثمان حیری (و ۲۸۹ق)

ابوعثمان^{۱۷} از صوفیان ملامتی سده سوم هجری است. نام وی با ۸۷ بسامد در رتبه یازدهم قرار دارد. با توجه به گرایش ملامتی سخنان وی در باب اخلاص در آثار صوفیه بازتاب قابل ملاحظه داشته است. همچنان که سخنان وی در باب فتوت نیز از گرایش جوانمردانه وی در سلوک خبر می‌دهد. با این اوصاف سخنان وی به‌طور عمده مربوط به موضوع رضاست و از این جهت سرآمد دیگر صوفیان است. خوف، زهد و شکر دیگر موضوعاتی است که در سخن وی بازتاب داشته است.

۳-۱-۱۰. ابراهیم خواص (و ۲۹۱ق)

ابراهیم خواص^{۱۸} با ۸۱ بسامد در رتبه سیزدهم قرار دارد. وی بیش از دیگر صوفیه به موضوع فقر پرداخته است. با این اوصاف بیشتر سخنان وی درباره توکل است. از این نظر نیز وی پس از سهل تستری در رتبه دوم قرار دارد. دیگر سخنان وی در موضوع یقین، حیرت و عزلت است.

۳-۱-۱۱. ابوالحسین نوری (و ۲۹۵ق)

ابوالحسین نوری^{۱۹} از صوفیان به نام سده سوم با ۱۳۶ بسامد در رتبه پنجم تأثیرگذارترین صوفیان سده‌های آغازین تصوف است. از بررسی سخنان وی معلوم می‌شود که وجه توجه او در وهله اول به تعریف تصوف و ویژگی‌های صوفی است. پس از آن حقیقت

و محبت در سخنان وی بازتاب دارد. موضوعات توبه، قرب و یقین نیز مورد توجه وی است. این نوع موضوعات نشان می‌دهد که وی یکی از نمایندگان برجسته تصوف سده سوم است.

۳-۱-۱۲. جنید بغدادی (و ۲۹۷ق)

جنید بغدادی^{۲۰} با ۴۰۸ مورد پرسامدترین نام است. تأثیر جنید در میان صوفیان سده دوم تا چهارم بی‌مانند است. احوال و آراء وی بیش از همه در آثار تعلیمی صوفیه بازتاب داشته است. با بررسی اقوال جنید معلوم می‌شود توجه عمده وی به معرفت و توحید بوده است. پس از آن، بیشتر مباحثی که توسط جنید مطرح شده، در موضوع محبت، تصوف و سماع است. با این اوصاف جنید بر مباحثی که در سده دوم در تصوف مطرح شد نیز صحنه می‌گذارد چنان‌که فقر، زهد و توبه نیز در ردیف موضوعات دیگر مورد نظر وی است.

از میان موضوعات مطرح شده توسط وی بحث توحید و معرفت جایگاه ویژه‌ای دارد. گرچه بحث معرفت در سخنان صوفیان پیش از وی به‌ویژه در سده سوم مطرح شده است، در آنچه به مباحث توحیدی مطرح می‌شود، باید وی را پیش‌تاز طرح این مباحث دانست. تقریباً هیچ‌کدام از صوفیان پیش از وی به این بحث اهتمام جدی نداشته‌اند؛ اما وی گویی نگرش ویژه صوفیه به این مبحث را در برای اولین بار گسترش داده و تصوف را از جنبه زاهدانه به نگرشی باطنی به معرفت و توحید سوق داده است.

با توجه به این مباحث به حق وی را می‌توان پیش‌تاز و امام صوفیه پس از وی دانست. از این‌روست که عمدتاً در سلاسل صوفیه حلقه‌ای دائمی و مؤثر بوده است.

۳-۱-۱۳. حسین بن منصور حلاج (و ۳۰۱ق)

درست است که حلاج^{۲۱} در میان صوفیان شهرت فراوانی دارد، بازتاب سخنان وی نسبت به شهرتش زیاد نیست و نامش در متون تعلیمی صوفیه، تنها ۵۳ بار بازتاب داشته است، شاید به علت دعاوی تند و نوع اتهاماتی که متوجه وی بود، معلمان تصوف برای وی جایگاه چندانی قائل نبودند. گرچه کسانی چون صاحب‌اللمع به

توجیه «انا الحق» همت گماشته‌اند، معلمان و مؤلفان معتدل مصلحت نمی‌دانستند سخنان تند و بحث‌برانگیز حلاج را در کتب خود مطرح کنند یا اینکه این نوع سخنان سنخیتی با تعلیم معتدل و شریعت‌گرای آنان نداشته است.

با این اوصاف در سده‌های بعدی و به‌دنبال ظهور صوفیان شورانگیزی چون عطار و مولانا و همچنین ابن عربی و طرح مباحث حکمی ذوقی دوباره مورد توجه قرار گرفت. تا جایی که در *مرصاد العباد* بیشترین بسامد را در بین صوفیان قرون اولیه هجری به خود اختصاص داده است. آنچه از سخنان حلاج در آثار صوفیه بازتاب یافته، بیشتر در موضوع حقیقت و توحید است. پس از آن موضوع فنا بازتاب دارد و همچنین توکل. برخی شطحیات حلاج و از جمله «انا الحق» نیز در کتب صوفیه بازتاب یافته است.

۴. بررسی تطورات معرفتی تصوف سده‌های دوم تا سوم

۴-۱. موضوعات انعکاس‌یافته سده دوم در سده سوم

تصوف سده سوم مبتنی بر سده دوم است، اما متوقف بر آن نیست. در این دوران تصوف به عنوان یک مکتب عمده معرفت‌شناختی که مبتنی بر سلوک عملی است مطرح می‌شود. عمده موضوعات مورد توجه در این قرن، مربوط به مباحث توحیدی و معرفت و پس از آن محبت و توکل است.

از میان مفاهیم سده قبل زهد بازتاب نسبتاً وسیعی دارد. توکل موضوعی است که در این سده نیز توجه بیشتر صوفیان را برانگیخته است.

به موضوع فقر نیز خواص بیش از دیگران توجه نشان داده، اما موضوع خوف به طرز چشمگیری در سخن سهل تستری بازتاب یافته است. رضا پیش از این در صحبت دارانی و فضیل مجال ظهور یافته بود، در این سده بیشتر در صحبت ابوعثمان حیری بازتاب یافته است.

گویا موضوع توحید در این قرن به طرز چشمگیری در سخن جنید بغدادی بازتاب یافته و پس از وی حلاج قرار دارد. موضوع تعریف صوفی و مختصات تصوف نیز که در سده دوم فقط در سخن معروف کرخی مجال طرح یافت، در این دوره با بازتاب

بسیار وسیع‌تر در سخن جنید و نوری مطرح شده است.

فتوت در سدهٔ سوم بازتاب کمتری نسبت به سدهٔ دوم داشته است و فقط ابوعثمان حیرری این موضوع را بازتاب داده و صوفیه برجستهٔ این قرن توجه چندانی به فتوت نداشته‌اند.

شریعت و طرح مسائل مربوط به سیرهٔ پیامبر(ص) که در سدهٔ دوم بازتاب داشته، در این سده فقط در سخن بایزید بسطامی مطرح شده است. محبت و فقر نیز از جمله موضوعاتی است که همچون سده قبل در این سده نیز مطرح شده است.

یکی از تفاوت‌های شگفت صوفیان سدهٔ دوم و سوم در بحث فضیلت‌های اخلاقی مانند تواضع، صدق و... نمایان می‌شود. درحالی‌که صوفیه سدهٔ دوم به مباحث اخلاقی توجه زیاد نشان داده‌اند، بیشتر صوفیان سدهٔ سوم این امور را در سخنان خود بازتاب نداده‌اند. این دوران به سلوک عرفانی و احوال و مقامات بیش از امور اخلاقی توجه شده است. در واقع هنگامی‌که تصوف به طرف سلوکی علمی و عملی خاص رفت، موضوعات مطرح شده توسط آنان نیز به این سو معطوف شد. با این اوصاف مباحث مربوط به اخلاق در بیان حارث محاسبی و یحیای معاذ کم‌ویش مطرح است.

۴-۲. موضوعات جدید مطرح‌شده در سدهٔ سوم

معرفت، سماع، عزلت، حیرت و فنا از جمله موضوعاتی است که برای اولین بار در این سده مطرح شده است. در این میان معرفت پربسامدترین است؛ این امر از آن جهت است که صوفیه طلایه دار نوعی معرفت باطنی در اسلام بودند که آن‌ها را از دیگر اصناف مدعی معرفت مانند متکلمین و فیلسوفان و متشرعان متمایز می‌کرد. در واقع آنان تنها طریق وصول به معرفت حقیقی و شناخت خداوند را همین معرفت باطنی، ذوقی و شهودی می‌دانستند. به‌طور عمده بحث معرفت در سخن جنید، ذوالنون، تستری و خراز و پس از آن بایزید و یحیای معاذ مطرح شده است.

اما از موضوعات مهمی که در این دوره مطرح و باعث تحول در مفهوم سلوک و معرفت صوفیانه شد، مفهوم فناست. این مهم به‌طور وسیعی در سخن ابوسعید خراز

بازتاب یافته چنان‌که وی را باید مبدع این مفهوم در دنیای اسلام دانست. موضوع دیگری که در این قرن برای اولین بار در سخن صوفیان مطرح شده، بحث سماع است. این موضوع بیش از همه در سخن جنید بازتاب داشته و پس از آن در صحبت استادش سری سقطی. این امر نشان می‌دهد که در سده قبل هنوز چنین مسئله‌ای در میان صوفیه مطرح نبوده است.

مسئله دیگری که در این قرن مطرح و سابقه پیشینی ندارد، عزلت است. این موضوع بیشتر در سخنان ذوالنون، یحیی معاذ و خواص مطرح شده است و نشان می‌دهد در این دوران کم‌وبیش بحث کناره‌گیری و عزلت از خلق به‌شکل جدی در تصوف مطرح شده است.

موضوع دیگر طرح شده در این دوره، حیرت است. این موضوع در سخن دو تن از صوفیه این سده بیشتر بازتاب دارد: اولی یحیی معاذ و دومی ابراهیم خواص.

مفهوم توبه نیز در آثار سده دوم تقریباً بازتاب نداشته، اما این معنا در کلام صوفیان برجسته سده سوم مطرح شده است. به نظر می‌رسد این مفهوم نیز به‌عنوان یکی از مراتب سلوک در این دوره مجال طرح یافته است. سرآمدان طرح این موضوع جنید تستری هستند. پس از آن نیز ذوالنون، نوری و محاسبی این موضوع را در سخنان خود بازتاب داده‌اند.

صبر نیز از جمله موضوعاتی است که به‌طور جدی در این سده مطرح شده است عمدتاً در بیان سهل تستری و ذوالنون مصری.

از دیگر مباحث مطرح شده در سده سوم موضوع قرب است که عمدتاً در سخن نوری و خراز محل طرح یافته است. همچنان‌که انس و وقت برای اولین بار و عمدتاً در سخن جنید در محل بروز یافته است.

۵. تصوف سده چهارم و برجسته‌ترین صوفیان

تصوف سده چهارم به‌شدت تحت‌تأثیر تعلیم صوفیان تصوف دو سده پیشین است. حتی صوفیه برجسته این دوران نیز همان‌هایی هستند که کم‌وبیش در سده پیشین نیز

حضور داشته‌اند. ویژگی مهم این سده آن است که اولین آثار تعلیمی صوفیه همانند *اللمع سراج*، *تعرف کلابادی* و *قوت القلوب* مکی در آن تدوین شده است. گویا معلمان تصوف در این دوره هنگامی که با افول چهره‌های بزرگ و تأثیرگذار تصوف مواجه شدند، به این نتیجه رسیدند که تعلیم صوفیان گذشته را در قالب نظامی علمی تدوین کنند تا راهنمای سالکان طریقت باشد. این مهم در سدهٔ بعد نیز با تدوین دیگر آثار تعلیمی صوفیه ادامه یافت. فقر، زهد و معرفت عمده‌ترین مباحث مورد توجه صوفیهٔ این سده است.

۱-۵. برجسته‌ترین صوفیان سدهٔ چهارم

از میان صوفیهٔ برجستهٔ این سده می‌توان به ابوبکر واسطی، ابوعلی رودباری، ابوبکر شبلی و ابو عبدالله خفیف اشاره کرد. در این میان، شبلی سومین عارف پربسامد در آثار تعلیمی است و احوال و اقوال او تأثیر بی‌بدیلی در کتب تعلیمی صوفیه دارد. وی در عین شاگردی مکتب جنید از تصوف سکرآمیز و جنون‌آمیز برکنار نیست. پس از آن ابوبکر واسطی، ابوعلی رودباری و ابو عبدالله خفیف بیشترین بازتاب در کتب تعلیمی صوفیه را به خود اختصاص داده‌اند.

۱-۱-۵. ابوبکر واسطی (و ۳۲۰ق)

ابوبکر واسطی^{۲۲} با ۸۴ بسامد در رتبهٔ دوازدهم قرار دارد. در سخنان وی موضوعات معرفت و خوف بازتاب بیشتری دارد. پس از آن شریعت، توبه و رضا از جمله موضوعات مورد اشارهٔ واسطی است.

۲-۱-۵. ابوعلی رودباری (و ۳۲۰)

ابوعلی رودباری^{۲۳} با ۷۲ بازتاب در میان صوفیان موردبررسی رتبهٔ ۱۶ را به خود اختصاص داده است. وی تصوف رو به رکود پس از سدهٔ سوم را نمایندگی می‌کند. سخنانی نیز که از وی نقل شده، در موضوع حقیقت و فقر است.

۳-۱-۵. ابوبکر شبلی (و ۳۴۴)

پس از جنید و سهل تستری، ابوبکر شبلی^{۲۴} با ۲۱۴ بازتاب پربسامدترین صوفی در کتب تعلیمی صوفیه است.

توجه اصلی شبلی نیز همچون جنید معطوف به توحید و معرفت است. وی تنها صوفی پس از جنید است که وجه اصلی توجهش مباحث توحیدی است. همچنین وی و جنید فراتر از دیگران به بحث انس پرداخته‌اند. پس از آن موضوعات زهد و تصوف در سخنان وی بازتاب داشته است و سرانجام موضوع فقر در سخن شبلی بازتاب فراوانی دارد.

۵-۱-۴. ابو عبدالله خفیف (و ۳۷۱)

ابو عبدالله ابن خفیف^{۲۵} با ۵۴ بازتاب در رتبه نوزدهم قرار دارد که نشان می‌دهد حتی بزرگ‌ترین صوفیان سده چهارم با صوفیان برجسته قرن سوم قابل مقایسه نبودند. در سخنان وی بیش از همه زهد و پس از آن صبر و رضا بازتاب یافته که بیشتر معرفت تصوف سده دوم است و نشانی از تصوف سده سوم به دست نمی‌دهد.

۶. پربسامدترین موضوعات و صوفیان در سده دوم تا چهارم

۱-۶. پربسامدترین موضوعات

از بررسی موضوعات مطرح شده در سده دوم تا چهارم، برخی موضوعات برجستگی بیشتری دارند و بنابراین در سخن صوفیه این دوران بازتاب بیشتر یافته‌اند. مهم‌ترین این موضوعات زهد و معرفت است که هرکدام حدود ۱۲۰ بازتاب داشته‌اند. پس از آن موضوعات توحید و محبت هرکدام با بیش از ۵۰ بازتاب در رتبه‌های بعدی قرار دارد. پنجمین بسامد مربوط به موضوع فضیلت‌های اخلاقی است که بیش از ۴۰ بازتاب دارد و پس از آن نیز توکل نزدیک به ۴۰ بسامد در جایگاه ششم و فقر با بیش از ۳۰ بازتاب در جایگاه هفتم است.

در بررسی سیر صعودی و نزولی این مفاهیم هفت‌گانه باید گفت که مفهوم زهد گرچه بیشتر در سده دوم مطرح شده، کم‌وبیش جایگاه آن در دو سده بعدی نیز حفظ شده است. موضوع معرفت بازتابی در سخنان صوفیان سده دوم ندارد، اما در سده سوم به شدت بازتاب یافته است. مباحث توحید، محبت و توکل در سده دوم بازتاب کمی دارد اما در سده سوم افزایش چشمگیر داشته است. مباحث توکل و فقر نیز در سده دوم مطرح و در سده سوم کم‌وبیش گسترش یافته است. جالب اینکه مباحث

اخلاقی در سده دوم بازتاب گسترده دارد اما این مباحث در سده‌های بعد نمی‌تواند مجال بروز و ظهور پیدا کند. این امر بیشتر مربوط به جنبه اخلاقی و ساده و غیرفنی مفاهیم تصوف سده دوم در مقابل مفاهیم موضوعات مربوط به سلوک عملی و رشد مفاهیم فنی‌تر تصوف است.

۲-۶. پربسامدترین صوفیان

بررسی‌ها نشان می‌دهد از لحاظ تعداد بسامد صوفیان به چهار دسته تقسیم می‌شوند:
دسته اول: جنید بغدادی با ۴۰۸ بسامد، سهل تستری (ب ۲۶، ۲۹۷)، شبلی (ب ۲۱۴).
دسته دوم: ذوالنون مصری (ب ۱۷۰)، ابوالحسین نوری (ب ۱۳۶)، ابوسعید خراز (ب ۱۱۶)، ابویزید بسطامی (ب ۱۰۳)، یحیی بن معاذ رازی (ب ۱۰۸)، سری سقطی (ب ۱۰۸).

دسته سوم: ابو سلیمان دارانی (ب ۹۵)، ابو عثمان حیری (ب ۸۷)، ابوبکر واسطی (ب ۸۴)، ابراهیم خواص (ب ۸۱)، حسن بصری (ب ۷۷)، ابراهیم ادهم (ب ۷۵)، ابوعلی رودباری (ب ۷۴)، ابوسفیان ثوری (ب ۷۱)، فضیل بن عیاض (ب ۵۵)، حسین بن منصور حلاج (ب ۵۳).

دسته چهارم: ابو تراب نخشی (ب ۳۹)، حارث محاسبی (ب ۳۷)، عبدالله مبارک (ب ۳۲)، معروف کرخی (ب ۲۳)، داوود طایی (ب ۲۳)، رابعه عدویه (ب ۲۲).
پربسامدترین نام‌ها اختصاص به صوفیه سده سوم دارد.

۳-۶. بازتاب صوفیه به تفکیک کتاب

از میان آثار مورد بررسی، بیشترین بازتاب نام صوفیان سده دوم تا چهارم در رساله کشمیریه آمده است (۸۸۷ بازتاب). پس از آن *اللمع سراج* با ۴۹۰ بازتاب، *کشف المحجوب* با ۳۵۳، *قوت القلوب* با ۳۷۱، *تعرف* با ۱۷۵، *شرح تعرف* با ۱۶۶ و *عوارف المعارف* با ۱۲۳ بازتاب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. *مرصاد العباد* با ۱۵ بازتاب کمترین بسامد صوفیان سده دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده است.

نتایجی که از این تحقیق به دست آمده است مقداری با باورهای معمول درباره این

صوفیان تفاوت دارد و نشان می‌دهد که محصول این پژوهش می‌تواند برای جست‌وجوگر تاریخ تصوف معنی‌دار و قابل استفاده بوده و معیاری برای مقدار اهمیت هر عارف باشد.

در این میان جنید بغدادی و سهل تستری و پس از آن شبلی در هرکدام از این کتاب‌ها بازتاب بیشتری دارند. در کتاب *اللمع نام شبلی* و تستری بیشترین بسامد را دارد، در *تعرف جنید و تستری* و در *قوت القلوب تستری و جنید*. همچنین در شرح تعرف نام‌های تستری و شبلی، در *رساله قشیریه جنید و ذوالنون*، در *کشف المحجوب جنید و شبلی* و در *عوارف المعارف تستری و جنید* بیشترین بسامد را دارد. در آمار کلی نیز جنید، سهل، شبلی و ذوالنون به ترتیب پربسامدترین هستند.

جالب است که در کتاب *مرصاد العباد* که کمتر از صوفیان سده دوم تا چهارم نشانی می‌بینیم، نام عارفی بیشترین بسامد را دارد که در کتب پیشین برجستگی چندانی نداشته است: حسین منصور حلاج. این مهم نشان می‌دهد که در بین عده زیادی از صوفیان سده هفتم هجری تصوف زاهدانه و عمل‌گرای سده‌های پیشین، جای خود را به تصوف شورانگیزی داده که در این دوران در حال شکوفایی است. بی‌گمان سرآمدان این جریان صوفیانه کسانی چون عطار نیشابوری و مولانا جلال‌الدین هستند. ظهور ابن عربی هم که تصوف را به حکمتی ذوقی تبدیل کرد، سهم عمده‌ای در این شورانگیزی داشت؛ بنابراین تعجبی ندارد که صوفی‌ای مانند حلاج که هم در شورانگیزی و سکر سرآمد است و هم در مباحثی مانند وحدت وجود صاحب حال بوده، به‌رغم محجوریت نسبی در آثار دوره‌های پیشین، در کتابی مانند *مرصاد العباد* با اقبال مواجه شود.

به‌طور کلی، کمرنگ شدن حضور صوفیان بزرگ سده‌های پیشین در آثاری مانند *مرصاد* نشان می‌دهد که تصوف وارد جریانی شده است که دیگر صوفیان سده‌های پیشین نمی‌توانند به‌عنوان الگو و اسوه آن مطرح شوند و رفته‌رفته نقش برجسته خود را در تعلیم صوفیانه از دست داده‌اند.

۷. جمع‌بندی

۷-۱. صوفیان

از میان صوفیان قرون دوم تا چهارم بی‌گمان جنید بغدادی بیشترین تأثیر را دارد و به‌حق معلم تصوف است. وی در طرح بسیاری از موضوعات تصوف در رتبهٔ نخست قرار دارد. از آن جمله در مباحث توحید، معرفت، صبر، سماع، تعریف صوفی، فقر و توبه. پس از وی سهل تستری قرار دارد گرچه در طرح موضوعات عرفانی جامعیت جنید را ندارد و بیشترین موضوعات مورد علاقهٔ وی که آن را از دیگران متمایز می‌کند، خوف، توکل و صبر است. در بحث معرفت و زهد نیز از جمله پیشروان است. شبلی سومین عارف تأثیرگذار این دوران و ادامه‌دهندهٔ شیوهٔ جنید است و کم‌وبیش با بسامدی پایین‌تر، موضوعات طرح‌شده توسط جنید را دنبال می‌کند. پس از ایشان چهار چهرهٔ برجستهٔ دیگر قرار دارند که به‌ترتیب عبارت‌اند از: ذوالنون مصری، ابوالحسین نوری، ابوسعید خراز و بایزید بسطامی. جملگی این صوفیان از سدهٔ سوم هستند. توجه ذوالنون به‌طور عمده به موضوعات توحید، معرفت و محبت است.

درست است که بایزید بیشتر از دیگران مبحث شطح را مطرح کرده، در موضوعات دیگری نظیر شریعت، سنت نبی و حقیقت نیز از جمله پیشتازان است. بیشترین موضوعات مورد نظر نوری تصوف، حقیقت و قرب است. از ابداعات خراز موضوع فناست که بازتاب قابل ملاحظه‌ای هم در کتب صوفیه داشته است. همچنان که در بحث قرب نیز وی از جمله پیشتازان است. بحث معرفت نیز در سخنان وی جایگاه ویژه‌ای دارد. نکتهٔ قابل ذکر بازتاب نام حلاج در *مرصاد العباد* نجم رازی است. این امر نشان می‌دهد که تصوف ذوقی و نظری سدهٔ هفتم میدان بروز بیشتری برای امثال حلاج دارد.

۷-۲. موضوعات

اما در بررسی موضوعات مطرح‌شده در قرون اولیهٔ تصوف باید گفت به‌طور کلی وجه عمدهٔ تعلیم صوفیه سدهٔ دوم توجه به فضایل اخلاقی، زهد و ریاضت در چهارچوب

دستورات شرعی است و مباحثی مانند مراتب سلوک و طی مقامات از تبتل تا فنا هنوز در این قرن شکل نگرفته است. در سخنان صوفیان این دوران از لطایف تصوف و صورت‌های ذوقی، معرفتی و لطیف آن کمتر نشانی به دست می‌آید؛ اما تصوف در سده سوم را می‌توان پرشورترین قرن تاریخ تصوف خواند. در این قرن تصوف وارد مرحله تازه‌ای شده و از سیمای زاهدانه و ریاضت‌منشانه به جانب نوعی نگرش و معرفتی متفاوت با دیدگاه دیگر اصناف معرفت در جهان اسلام سوق پیدا کرده و به عنوان یک مکتب عمده معرفت‌شناختی که مبتنی بر سلوک عملی است، مطرح می‌شود. در واقع تصوف سده سوم مبتنی بر سده دوم است، اما متوقف بر آن نیست. عمده موضوعات مورد توجه در این قرن، مربوط به مباحث توحیدی و معرفت و پس از آن محبت و توکل است. موضوعات معرفت، سماع، عزلت، حیرت و فنا از جمله موضوعاتی است که برای اولین بار در این سده مطرح شده است. تأثیر صوفیان این دوران بر صوفیان بعد از خود از همه دوران‌ها چشمگیرتر است. تصوف سده چهارم به شدت تحت تأثیر تعلیم صوفیان تصوف دو سده پیشین است. حتی صوفیان برجسته این دوران نیز کم‌وبیش در سده پیشین حضور داشته‌اند. فقر، زهد و معرفت عمده‌ترین مباحث مورد توجه صوفیان این سده است. ویژگی مهم این سده آن است که اولین آثار تعلیمی صوفیه همانند *اللمع سراج*، *تعرف کلابادی* و *قوت القلوب* مکی در آن تدوین شده است. گویا معلمان تصوف در این دوره که با افول چهره‌های بزرگ و تأثیرگذار تصوف مواجه شدند، به این نتیجه رسیدند که تعلیم صوفیان گذشته را در قالب نظامی علمی تدوین کنند تا راهنمای سالکان طریقت باشد. این مهم در سده‌های بعد نیز با تدوین دیگر آثار تعلیمی صوفیه ادامه یافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسن بصری از تابعان و زاهدان قرن اول هجری که اقوالش دلالت بر زهد و خوف دارد (نیکلسون، ۱۳۵۸: ۱۹ و ۱۷۶). گنهکاران به دست او توبه می‌کردند و به زهد می‌گراییدند. او در فصاحت و شهرت بی‌نظیر بود و از این حیث بعضی او را با حجاج بن یوسف که به سخنوری مشهور

بود، مقایسه کرده‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۵۰ و ۵۳).

۲. سفیان ثوری در عراق زاهد و فقیه و در رعایت حلال و حرام داناترین خلق روزگار بود. به سبب همین پرهیزکاری، مهدی خلیفه قضای کوفه را به او پیشنهاد کرد (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۱۱۱؛ همو، ۱۳۷۸: ۵۳).

۳. ابواسحاق ابراهیم بن ادهم بلخی جوانی دولتمند و دوستدار ذوق و نشاط بود. وقتی به صید بیرون رفته بود هاتفی آواز داد: «ابراهیم نه برای این کار آفریده اند تو را!» آگاهی در او ایجاد شد. به طریقت روی آورد به مکه رفت و آنجا با سفیان ثوری و فضیل بن عیاض صحبت داشت (جامی، ۱۳۷۰: ۳۷). داستان توبه او که شباهت با داستان بودا دارد، از جالب‌ترین داستان‌های صوفیه است و بیشتر نام و آوازه‌ای که کسب کرده به‌خاطر همین ماجراست.

۴. عبدالله مبارک از زهاد و صوفیه‌ای بود که در تصوف بغداد تأثیر گذاشت؛ هرچند از مرو بود غالب عمرش در مکه و بغداد گذاشت (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

۵. رابعه پارسا زنی از اهل بصره با حسن بصری معاصر بود، ظهور رابعه و تعلیم او نقطه عطفی در تصوف بود. مهم‌ترین تأثیر او تحول فکری مهمی بود که برای زهاد آورد و از عشق و محبت الهی، فنا و بی‌خودی صحبت کرد (غنی، ۱۳۸۶: ۴۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۵۱).

۶. ابوعلی فضیل بن عیاض زاهد مشهوری از ناحیه مرو خراسان بود و مکه وفات یافت. در جوانی یک‌چند راهزنی می‌کرد سپس توبه کرد و در کوفه به تعلم حدیث و علم دین پرداخت. مدتی در نزد سفیان ثوری تربیت یافت. یک بار به هارون‌الرشید در مکه اندرز داد. به‌رحال تأثیری که اندرز او در خلیفه گذاشت، در بغداد در نزد صوفیه و زهاد محبوب کرد و حتی امام حنبل از وی به تکریم یاد می‌کرد (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

۷. از قدمای مشایخ و استاد سری سقطی است و کنیت او ابو محفوظ است. به‌قولی دربان امام علی بن موسی‌الرضا(ع) بود و گویند که بر دست وی مسلمان شده بود. وی به ورع و زهد و فتوت معروف بوده است (همان: ۱۱۴؛ جامی، ۱۳۷۰: ۳۵).

۸. آخرین صوفی برجسته قرن دوم و اوایل قرن سوم ابوسلیمان عبدالرحمن بن احمد بن عطیه دارانی از زهاد و عباد اهل شام و استاد ابن ابی‌الحواری بود (جامی، ۱۳۷۰: ۳۵؛ معصوم علیشاه، ۱۳۱۸: ۱۹۶). دارانی با ۹۵ بسامد در رتبه دهم صوفیان سده‌های آغازین تصوف قرار دارد. وی بیشترین بسامد را نیز در میان صوفیه سده دوم به خود اختصاص داده است. دارانی حلقه واسطی برای انتقال تصوف زهدگرای سده دوم به تصوف معرفت‌محور سده سوم بود. وفات وی را سال ۲۰۵، ۲۱۵ و ۲۳۵ هجری نیز ذکر کرده‌اند.

۹. نام او طیفور بن عیسی بن سروشان است. جد او مجوسی بوده که مسلمان شده است. بایزید از

- اقران احمد بن خضرویه و ابوحفص و یحیی بن معاذ است (جامی، ۱۳۷۰: ۵۴). وی از مشهورترین صوفیان ایرانی است، اما از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست (نیکلسون، ۱۳۷۲: ۸۱).
۱۰. وی استاد جنید و سایر بغدادیان است، از اقران حارث محاسبی و بشر حافی و شاگرد معروف کرخی است و اکثراً سلاسل صوفیه نسبت خود را به او می‌رسانند (جامی، ۱۳۷۰: ۵۱). اولین کسی است که به زبان توحید و حقایق احوال سخن گفت (انصاری، ۱۳۶۲: ۹۶).
۱۱. ابو عبدالله حارث محاسبی، از علما و قدمای مشایخ است و جامع علوم ظاهری و باطنی بود. استاد بغدادیان است (جامی، ۱۳۷۰: ۴۸). اهل فقه و کلام بود و در زهد و تصوف دارای طریقه خاص بود که به محاسبیه مشهور است و اولین کس از قدمای صوفیه بود که آثار از او باقی مانده است، از جمله کتاب *الرعاية لحقوق الله* و کتاب *وصایا* که هر دو مخصوصاً در افکار و آراء امام غزالی تأثیر گذاشته است. در نزد او آنچه در درجه اول برای سالک راه ضرورت دارد، رعایت حقوق خداست و محاسبه نفس (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۵۹).
۱۲. ابوتراب عسکر بن حصین نخشی صوفی محدث از مشایخ بزرگ خراسان بود و با ابوحاتم عطاء بصری و حاتم اصم بلخی مصاحب داشت و استاد ابو عبدالله جلا و ابو عبدالله بصری بود (جامی، ۱۳۷۰: ۴۹).
۱۳. نام وی ثوبان بن ابراهیم و گویند فیض بن ابراهیم، کنیت وی ابوالفیض و ذوالنون لقب اوست. او شاگرد مالک انس بوده و مذهب مالکی داشت. امام وقت و یگانه روزگار بوده و اولین کسی است که به خاطر دوری از اتهامات ظاهرینان، در تصوف رموز صوفیانه به کار برد (همان: ۲۸).
۱۴. یحیی معاذ با ۱۰۸ بسامد در رتبه هشتم صوفیان سده دوم تا چهارم قرار دارد. کنیت او ابوزکریاست و مسافرت های زیاد رفت و در نیشابور درگذشت. (انصاری، ۱۳۶۲: ۱۰۱). جایگاه وی به حدی رسیده بود که مشایخ گفته‌اند که خدای تعالی را دو یحیی بود یکی از انبیا و یکی از اولیا (معصوم علیشاه، ۱۳۱۸: ۱۷۴). او در تصوف به طریقه محمد بن کرام بود و به شیوه آن‌ها وعظ می‌کرد و او را یحیی واعظ گفته‌اند (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۴۹).
۱۵. ابو محمد سهل بن عبدالله تستری صوفی زاهدی است. طریقه سهلیه که به او منسوب است مجاهدت و ریاضت و خلاف نفس کردن را راه نجات سالک و وصول او به غایت مطلوب می‌شمرد (غنی، ۱۳۸۶: ۳۹۴). وی را شاگرد ذوالنون مصری می‌دانند (جامی، ۱۳۷۰: ۶۶).
۱۶. انصاری در *طبقات الصوفیه* هیچ صوفی را به اندازه ابوسعید خراز در توجه، حرمت، تعظیم و قبول نیافته است (انصاری، ۱۳۶۲: ۱۶۰). به سبب برخی اقوالش تعقیب و سوءظن فقها و متکلمین بغداد شده است. او دارای کتب و تصانیف بسیاری است (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۱۲۴).
۱۷. ابو عثمان حیری از صوفیه نیشابور و شاگرد شاه شجاع بود و امام و یگانه وقت (انصاری، ۱۳۶۲:

۲۴۰. در کنار حمدون قصار از رهبران برجسته ملامتیه بود که به اخلاص توجه داشت از شهرت و قبول در نزد خلق اجتناب می‌کرد. صوفیه‌ای که وی و اصحابش را نقد می‌کردند توجه به نفس و مراقبت از آن در مقابل ریا را نوعی دویینی می‌دانستند که در کنار حق به نفس بها می‌دهد (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۳۴۶-۳۴۲).

۱۸. ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن اسماعیل خواص در بغداد می‌زیست و از استاد جعفر خلدی بود. از هم‌صحبتان ابوعبدالله مغربی و از نزدیکان جنید و نوری بود. وی در توکل و تجرید یگانه عصر خویش بود (انصاری، ۱۳۶۲: ۳۴۸).

۱۹. ابوالحسین احمد بن محمد نوری از مشایخ بزرگ بغداد بود. وی از اقران جنید بود اما برخلاف وی که حلقه درس و بحث داشت، به علم و درس نوعی کراحت و مقاومت نشان می‌داد. خواجه عبدالله انصاری وی را عالم و از اجله مشایخ قوم معرفی می‌کند (همان: ۱۹۱؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۱۲۵).

۲۰. ابوالقاسم جنید بن محمد بغدادی از نهادن و مولد و منشأ وی بغداد است. شاگرد شافعی بوده و مذهب ثوری داشته و با سری سقطی و حارث محاسبی و محمد قصاب صحبت داشته است (جامی، ۱۳۷۰: ۷۹).

۲۱. ابوالغیث حسین بن منصور حلاج، اهل بیضای فارس بود و با جنید و نوری صحبت داشت و شاگرد عمرو بن عثمان مکی بود. شخصیت شگفت‌انگیز و ماجراهای حیرت‌آور زندگی و مرگ، او را به صورت معیار و محک دیگران قرار داد. گروهی از صوفیه او را نپذیرفتند و عده‌ای او را پذیرفته و بزرگ داشتند تا روزگار پیر هرات چهار تن از مشایخ، ابوالعباس عطا، ابوعبدالله خفیف و ابوعبدالله باکو و ابوالقاسم نصرآبادی او را پذیرفتند و بقیه او را رد کردند (انصاری، ۱۳۶۲: ۸۴). جنید از مخالفان وی بود و حلاج را به شعبده و نیرنگ متهم می‌ساخت؛ گرچه امثال محمد بن خفیف این اتهام را رد و آن را نشانه وقوف به اسرار تلقی می‌کردند (دیلمی، ۱۳۶۳: ۲۳۴).

۲۲. ابوبکر محمد بن موسی واسطی که به علوم ظاهر احاطه داشت، از قدمای اصحاب جنید و نوری بود و ابوالعباس سیاری وی را شاگردی کرده بود. پیر هرات بر آن است که هیچ کس در اصول تصوف چون او سخن نگفته است و به همین سبب او را امام توحید نامید و برتر از هر کس دیگر در خراسان می‌دانست (انصاری، ۱۳۶۲: ۶۸).

۲۳. ابوعلی احمد بن محمد رودباری اهل بغداد بود، با جنید و نوری صحبت داشت. در مصر زندگی می‌کرد و شیخ مصریان و صوفیان آنجا بود (جامی، ۱۳۷۰: ۲۰۵). *طبقات الصوفیه* او را عالم، فقیه، حافظ و ادیب و شاعر صوفیه دانسته است (انصاری، ۱۳۶۲: ۶۹).

۲۴. وی اهل شطح بود؛ چنان که استادش جنید درباره وی گفت: آنچه صوفیه به خفا و اشارت

می‌گفتیم شبلی بر سر منبر برد (انصاری، ۱۳۶۲: ۴۴۹).

۲۵. ابو عبدالله خفیف شیرازی در زمانه خود به شیخ المشایخ، شیخ الاسلام و شیخ کبیر مشهور بود. وی شاگرد شیخ ابوطالب خزرج بغدادی بود. در فارس مشهورترین کس از صوفیه‌ای بود که در زهد و معرفت آوازه‌ای بلند و مریدان زیادی داشت (جامی، ۱۳۷۰: ۲۴۰؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۶۹). از کسانی بود که حلاج را در زندان ملاقات کرده بود و به کشتن او راضی نبود و او را امام ربانی می‌خواند (جامی، ۱۳۷۰: ۱۵۳).

۲۶. ب علامت اختصاری بسامد است.

منابع

۱. انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۲)، *طبقات الصوفیه*، تصحیح محمد سرور مولانی، تهران: توس.
۲. پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۲)، «تصوف از ابتدا تا پایان قرن چهارم»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۳. جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۰): *نفحات الانس من حضرات القدس*، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: اطلاعات.
۴. دیلمی، ابوالحسن (۱۳۶۳)، *سیرت شیخ کبیر*، ترجمه یحیی بن جنید شیرازی، تصحیح آن ماری شیمیل، تهران: بابک.
۵. رازی، نجم‌الدین (۱۳۶۹)، *مرصاد العباد*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *ارزش میراث صوفیه*، تهران: امیرکبیر.
۷. ——— (۱۳۷۶)، *جستجو در تصوف ایران*، تهران: امیرکبیر.
۸. سراج، ابونصر، عبدالله بن علی (۲۰۰۶م)، *اللمع فی التصوف*، مصر: دار الکتب الحدیثه، مکتبه المثنی.
۹. سهروردی، عمر بن محمد، (۱۳۷۴)، *عوارف المعارف*، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. شمس، محمدجواد (۱۳۷۸)، «بررسی تصوف سده‌های اول تا پنجم»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمدکاظم بجنوردی، تهران، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۱. غنی، قاسم (۱۳۸۶)، *تاریخ تصوف در اسلام و تطورات آن*، تهران: زوار.
۱۲. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم هوازن (۱۳۶۷)، *ترجمه رساله قشیریه*، تصحیح بدیع‌الزمان فروزان‌فر، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. کلابادی، ابوبکر محمد (۲۰۰۴م)، *التعرف لمذهب التصوف*، تحقیق عبدالحلیم محمود و طه عبد الباقی السورور، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۱۴. لویزن، لئونارد (۱۳۸۴)، *میراث تصوف*، ترجمه مجالدین کیوانی، تهران: مرکز.

۱۵. مستملی بخاری، ابوالبراهیم اسماعیل (۱۳۶۳)، شرح التعرف لمذهب التصوف، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.
۱۶. معصوم علیشاه، محمد (۱۳۱۸)، طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: کتابخانه سنایی.
۱۷. مکی، ابوطالب (۱۳۰۶ق)، قوت القلوب، مصر: دار صادر.
۱۸. نیکلسون، رینولد. آ. (۱۳۵۸)، تصوف اسلامی و رابطهٔ انسان و خدا، ترجمه و تعلیق محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، توس.
۱۹. _____ (۱۳۷۲)، عرفان عارفان مسلمان، ترجمهٔ اسدالله آزاد، تعلیقات سید علی نقوی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۰. هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۳)، کشف المحجوب، مقدمه و تصحیح محمود عابدی، تهران: کتابخانهٔ طهوری.

